

## نقش خانواده در تربیت کودکان دبستانی

خانواده در تعلیم و تربیت کودکان نقش مهمی را ایفا می کند. یکی از نکات بسیار مهم در خانواده ، ارتباط است ، یعنی والدین باید به روش های صحیح برقراری ارتباط با کودکان ، آگاهی داشته باشند.

به منظور برقراری ارتباط صحیح ، والدین باید به نکات زیر توجه نمایند:

۱. با فرزندان خود ارتباط برقرار کرده ، فرصت ابراز عقاید را به او بدهند ، به نیازهای وی پی ببرند ، انتظارات آنها از کودک ، فرصت برقراری ارتباط به کودک ، زمینه اطمینان به والدین و مراجعه به آنها ، هنگام ایجاد مشکل و فراهم کنند.



پدر قبل از پدر بودن ، باید با فرزندش دوست باشد ، علاوه بر این ، او باید قادر به اداره این دوستی باشد تا مانع لوس شدن کودک گردد . به قول یکی از دانشمندان : " هر جا مشکلی در جامعه بود ، به حتم پای آموزش و پرورش وسط است " یا به قول اریکسون : " فرزندان لوس معضل جامعه اند ."

۲. ایجاد فضای آرامش بخش در خانواده : چنانچه والدین در صدد موفقیت تحصیلی و سلامت شخصیت کودکان باشند ، باید محیط خانواده را از هر گونه درگیری و تنش دور سازند.

۳. ایفای نقش موثر در زمینه تکلیف خانه : والدین نقش بسیار مهمی در تکلیف خانه یا مشق شب کودک ایفا می کنند . بسیاری از بچه ها در انجام تکالیف خود اهمال می ورزند . والدین باید به صورت قطع با این امر برخورد کنند و از فرزند خود بخواهند که در فرصت مناسب و مطلوب ، به انجام تکالیف خود پردازند ، در غیر اینصورت ، باید از روش محرومیت استفاده کنند، یعنی وی را از بازی مورد علاقه یا تلویزیون محروم کنند.

۴. تکریم شخصیت کودکان : ما باید به بچه ها احترام بگذاریم و آنها را با الفاظ بد خطاب نکنیم.
۵. تعامل با مربیان در مدرسه : والدین باید در تعامل متقابل با مربیان باشند و از مشکلات فرزندشان در مدرسه مطلع شوند.
۶. کمک به کودک در تعیین هدف و برنامه ریزی : فعالیتهای کودک در طول هفته ، باید تقسیم بندی شود و زمان خاصی برای تفریح ، تماشای تلویزیون و انجام تکالیف در نظر گرفته شود . روش برنامه ریزی به منظور انجام برنامه های روزمره و تکالیف ، باید به کودکان آموزش داده شود تا آنها بتوانند ، فن مهارت زمان را بیاموزند.
۷. تشویق کنجکاوی و خلاقیت کودکان : به صورت جدی باید از تحقیر کودک خودداری کرد و هنگام کنجکاوی ، باید به او فرصت سوال کردن داده شود. کودک نباید به جواب های ما دست یابد تا خود به تفکر و اندیشیدن بپردازد. خلاقیت کودک ، باید پرورش داده شود ، نه اینکه او به اطاعت محض ملزم باشد. کودک نباید به اطاعت کورکورانه عادت کند ؛ البته الگو برداری با دنباله روی فرق می کند . منظور از الگو برداری ، این است که کودک رفتار والدین را در مسأله ای چون نظم ، تقلید می نماید ، خود نیز به موقع کارهایش را با برنامه ریزی دقیق و منظم انجام می دهد و از نظم پدر ، الگو برداری می کند.
- در ارتباط با دنباله روی ، عده ای معتقدند : بچه ها باید مثل خودشان فکر کنند و کودک باید به صورت دقیق ، عقاید آنها را در مورد مسائل اجتماعی، تقلید کند ؛ البته این امر ، مانع رشد و پرورش آزاد کودک می باشد ، زیرا کودک باید به صورت مستقل ، به نظرات اجتماعی دست یابد.
۸. انتظار پیشرفت از کودکان : کودک باید بداند که والدین در همه زمینه ها از او انتظار پیشرفت دارند.
۹. کاهش ترس از شکست در کودک : ما نباید از کودکان انتظار نمره ۲۰ داشته باشیم ، زیرا این امر ، ترس از شکست را در کودک ایجاد می کند و اضطراب از امتحان را به دنبال خواهد داشت.
۱۰. اعمال صحیح تشویق و تنبیه کودکان : ما باید به صورت جدی ، از تنبیه بدنی خودداری کرده ، به کارهای درست کودک پاداش داده ، هنگام انجام اعمال نادرست ، از روش محروم کردن از خواسته ها و امتیازات استفاده کنیم ، زیرا تنبیه صحیح ، نباید موجب تحقیر کودک شود ، والدین نباید در طولانی مدت با کودک قهر داشته باشند و آشتی باید توسط یکی از والدین برقرار شود ، زیرا قهر طولانی و عدم

توجه به کودک ، موجب احساس نا امنی در کودک می گردد و به بهداشت روانی وی لطمه وارد می کند

در مواقعی که والدین شاغل هستند و فرصت کافی برای برقراری ارتباط با کودک و درک او را ندارند ، باید با مربیان مدرسه به صورت مداوم تعامل داشته باشند تا از طریق این انجمن ، آموزشهای بسیار مفیدی از جمله آموزش در زمینه تربیت کودک و نحوه برقراری ارتباط صحیح با وی ، به اولیاء ارایه داده شود امروزه اکثر مدارس ، از روانشناسان به منظور آشنایی والدین با روشهای نوین تعلیم و تربیت استفاده می کنند.

در دنیای مدرن ، درگیری والدین در کارهای مختلف ، زیاد است و معلمها وقت کافی برای تربیت فرزند را ندارند . ما نباید به مدت زمان دقت کنیم ، بلکه باید به کیفیت توجه شود . والدین می توانند ، در عین حضور کم در حد یکی دو ساعت ، به درستی از زمان استفاده کنند ، یعنی کیفیت ارتباط مهم است.

### بهداشت روانی در کودکان دبستانی

در ادامه بحث تعلیم و تربیت کودکان دبستانی ، به بعد مهم بهداشت روانی در کودکان دبستانی می پردازیم.

والدین و مربیان در تأمین بهداشت روانی کودک ، نقش بسیار مهمی را ایفا می نمایند ، زیرا در صورت عدم تأمین بهداشت روانی در کودکان دبستانی، آموزش نیز مختل خواهد شد.

### بهداشت روانی

منظور از بهداشت روانی ، سازگاری فرد با محیط اطراف خود می باشد، در صورتی که فرد بتواند خود را به راحتی با محیط اطراف تطبیق دهد، قابلیت‌های خود را بروز دهد و فاقد اختلالات عاطفی و رفتاری باشد ، از بهداشت روانی برخوردار است.



والدین در تأمین بهداشت روانی کودک ، نقش مهمی به عهده دارند .  
به منظور برخورد صحیح با فرزندان ، والدین باید به نکات زیر توجه نمایند :

۱. داشتن اطلاعات کافی از نیازهای گوناگون کودکان : کودک نیاز به امنیت، آرامش ، محبت متقابل ، تعلق به گروه و شکوفایی دارد . والدین باید نسبت به نیازهای جسمی ، روانی و عاطفی کودک ، آشنایی کامل داشته باشند .

۲.

توجه به مراحل رشد کودک و ویژگیهای هر مرحله از رشد : کودک همیشه باید در حال تکوین و تحول در نظر گرفته شود ، به این تربیت ، باید از تربیت تکوینی بهره جست . تربیت تکوینی ، نوعی از تربیت است که مبتنی بر ویژگیهای رشدی کودک ، توانمندیهای ذهنی و عقلانی وی می باشد. بنابراین ، والدین باید از ویژگیهای مختلف کودک در مراحل رشد ، مسائل آموزشی و مشکلات عاطفی وی آگاه باشند و بر شخصیت کودک و مسائل آن اشراف کامل داشته باشند .

### راهکارهای عملی موثر در تأمین بهداشت روانی کودکان ، عبارتند از :

۱. انتخاب الگوی واحد و مشترک توسط هر یک از والدین ، در الگو پذیر کردن کودک ، به منظور جلوگیری از سردرگمی وی .
۲. تأمل نسبت به جوانب و عوارض تنبیه کودک ، ریشه یابی ناهنجاریها ، عدم قضاوت و ارزشیابی سریع مسائل ، زیرا این احتمال وجود دارد که عامل بسیاری از ناهنجاریهای رفتاری ، والدین و مربیان باشند .

۳. کودک نباید هیچ گاه احساس بی پناهی و ناامنی کند ، او باید از توجه و محبت کافی بهره مند گردد و هیچ گاه نباید از تنبیه شدید ، به خصوص تحقیر ، سرزنش و بی اعتنائی استفاده کرد.
۴. جتناب از به خواب رفتن کودک هنگام ترس و اضطراب.

### انواع ناهنجاریهای رفتاری در کودک دبستانی

۱. ترس : به طور معمول ، ترس در اثر یادگیری ایجاد می شود . والدین باید از بیان داستانهای تخیلی ترسناک به کودک اجتناب بورزند تا موجب ایجاد ترس در وی نگردند.
- مربیان نیز می توانند ، در ایجاد ترس در کودک دخیل باشند . گاهی اوقات ، مربیان برای اداره کلاس ، ترس را در کودکان ایجاد می کنند و خود را فردی مقتدر ، اخمو و انعطاف ناپذیر نشان می دهند . علاوه بر آن ، همکلاسی ها نیز موجب ترس کودک می گردند و این امر ، اثرات سوء روانی را بر کودک به جای می گذارد.
۲. دزدی : کودک به دلایل مختلفی دزدی می کند . کودک به دلیل نیاز مالی و عدم تأمین این نیاز از سوی والدین یا به دلیل کمبود توجه و محبت ، دزدی می کند . ولی در گروه همسالان ناسالم ، با الگوگیری از آنها و تحت تأثیرشان ، به منظور جلب تأئید آنها ، دست به این عمل می زند.
۳. ناخن جویدن : تحقیقات انجام شده ، نشان می دهد که ناخن جویدن در کودک ، در اثر احساس ناایمنی و اضطراب به وجود می آید.
۴. پرخاشگری : تنبیه شدید بدنی ، انضباط خشک ، تحقیر و سرزنش، عوارضی از جمله پرخاشگری را به همراه می آورند.



۵. دروغگویی: کودک ممکن است که دروغگویی را از والدین یا برای به دست آوردن خواسته خود و فرار از موقعیت ناخوشایندی، به دروغگویی مبادرت ورزد.

به طور کلی، بی پناهی کودک در محیط خانه، تنبیه بدنی شدید، زندانی کردن کودک و آزار وی، تحقیر و سرزنش، بی توجهی، عدم محبت متقابل، طرد کودک، ناضایتی، احساس ناایمنی، اضطراب و محرومیت مالی، سبب بروز ناهنجاریهای رفتاری در کودک می گردند. به عبارت دیگر، می توان گفت که برخورد ناصحیح والدین در محیط خانه و مربیان در مدرسه موجب بسیاری از ناهنجاریهای رفتاری در کودکان می شود.

به منظور پیشگیری از ناهنجاریهای رفتاری، باید بین خانه، مدرسه و مراکز تخصصی مشاوره ای، هماهنگی لازم وجود داشته باشد. چنانچه ارزشها و باورهای خانوادگی، متفاوت از عقاید و هنجارهای مدرسه باشد، این تعارض، می تواند زمینه ساز تشویق و نگرانی و در نتیجه، بسیاری از اختلالات رفتاری در کودک باشد.

نقش مشاوره در مدرسه و دوران ابتدایی، بسیار حساس و با اهمیت می باشد؛ البته مشاوره به تنهایی قادر به حل مشکلات کودک نبوده و برقراری ارتباط بین مشاور، والدین و معلم، بسیار ضروری است.

نقش مشاوره در مورد افرادی که به نوعی دچار نقص و محرومیت جسمی - حسی - حرکتی می باشند، از اهمیت وافری برخوردار است. دانش آموزانی که دچار مشکل جسمانی ( معلولیت بدنی ) هستند، حساسیت خاصی نسبت به نحوه برخورد اطرافیان دارند، در نتیجه، این امر بهداشت روانی آنها را به خطر می اندازد. اطرافیان هم باید به نحوی با این نقص برخورد نمایند که موجب احساس حقارت در وی نشوند.

این کودکان را باید به گروههایی که توانایی پذیرش آنها را دارند، هدایت نمود، نه گروههای برتری که موجب احساس ضعف کودک می گردند. بر مبنای تحقیقات انجام شده، حضور دانش آموزان ناشنوا یا کم شنوا در کلاسهای عادی و ابراز توجه کافی از سوی معلمان و همکلاسیها، می تواند موجب سازگاری این کودکان با افراد عادی گردد.

بنابراین، بهداشت روانی عامل بسیار مهمی است که نیازمند هماهنگی گروههای مختلف و برخوردهای سالم تربیتی، از بدو تولد کودک است و باید دقت کنیم که سلامت روانی کودکانمان را به خطر نیندازیم

# نقش خانواده در تربیت کودکان دبستانی



پیش دبستان و دبستان دکتر حسابی  
سال تحصیلی ۹۸-۹۷

منبع : <http://www.beytoote.com>